

نقش تمایز یافتگی خود و عوامل اقتصادی با میانجیگری تعارضات خانوادگی در پیشگیری از آسیب‌های روانی و اجتماعی

میترا میرزایی*^۱، اقبال زارعی^۲، مریم صادقی فرد^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۶

چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی نقش تمایز یافتگی خود و عوامل اقتصادی با میانجیگری تعارضات خانوادگی در پیشگیری از آسیب‌های روانی و اجتماعی انجام شد. روش انجام پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری تحقیق، کلیه افراد متأهل شهر بندرعباس بودند که با توجه به جدول مورگان و کرجسی تعداد ۴۲۰ خانواده به‌عنوان حجم نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای سهمیه‌ای انتخاب شدند. برای آزمون فرضیه‌ها از تحلیل معادلات ساختاری استفاده شد. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش شامل پرسشنامه تجدیدنظر شده تعارضات زناشویی ثنایی و همکاران، پرسشنامه نقش عوامل اقتصادی در تعارضات خانواده، فرم کوتاه پرسشنامه تمایز یافتگی خود، پرسشنامه چندوجهی شخصیتی مینه سوتا MMPI، پرسشنامه سنجش نگرش نسبت به آسیب‌های اجتماعی بود. یافته‌های پژوهش نشان داد، بین تمایز یافتگی خود و آسیب روانی رابطه وجود دارد اما بین تمایز یافتگی خود و تعارضات خانواده و نگرش نسبت به آسیب‌های اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. همچنین عوامل اقتصادی بر افزایش تعارضات خانواده و آسیب‌های روانی و اجتماعی نقش دارد و در نهایت تعارضات خانواده نقش پیش‌بینی‌کنندگی بر آسیب‌های روانی و اجتماعی دارد. نتایج پژوهش حاضر نشان داده است که تمایز یافتگی خود می‌تواند آسیب‌های روانی را پیش‌بینی کند، همچنین عوامل اقتصادی فاکتور خوبی برای پیش‌بینی تعارضات خانواده و آسیب‌های روانی و اجتماعی است.

کلیدواژه‌ها: تمایز یافتگی خود، عوامل اقتصادی، تعارضات خانوادگی، آسیب‌های روانی، آسیب‌های اجتماعی.

۱. * کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه هرمزگان (نویسنده مسئول). Taratina89@gmail.com

۲. دانشیار گروه مشاوره و راهنمایی دانشگاه هرمزگان. eghbalzareii2010@yahoo.com

۳. استاد یار گروه مشاوره و راهنمایی دانشگاه هرمزگان. Sadeghim45@yahoo.com

مقدمه

اختلاف و نداشتن تفاهم در خانواده امری عادی است و هیچ خانواده‌ای از این امر مستثنا نیست، اما گاهی این اتفاقات به تعارض‌های شدید منجر می‌شود. امروزه خانواده‌ها درگیر انواع گوناگونی از تعارضات و اختلافات شدید هستند که این اختلافات باعث می‌شود خانواده به عنوان نخستین و قدیمی‌ترین نهاد اجتماعی کارکرد خوب و سالمی نداشته باشد. نهادی که وظیفه اصلی آن ایجاد روحیه و شخصیت سالم است، خود به عاملی برای اختلافات عاطفی و رفتاری و شخصیتی تبدیل می‌شود (صدیقی، حسینی و قنبری هاشم آبادی، ۱۳۹۵).

فینچام و بیچ^۱ (۱۹۹۹) بیان می‌کنند که در واقع تعارض در همه روابط اتفاق می‌افتد. با مشخص شدن ارتباط تعارض با مشکلات متعددی از قبیل افسردگی، بیماری مزمن و فرزند پروری ضعیف، بررسی و مطالعه آن امری مهم است (کارن و همکاران^۲، ۲۰۱۱، مبسم، دلاور، کرمی، ثنایی و شفیع‌آبادی، ۱۳۹۱). پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهند که یکی از عوامل مؤثر در تعارضات خانواده تمایز نیافتگی زوجین از خانواده مبدأ و یا سطح تمایز یافتگی پایین آنان از خانواده اصلی‌شان می‌باشد. تمایز یافتگی یک ترکیب پیچیده از بلوغ عاطفی، توانایی تفکر منطقی در یک موقعیت هیجانی و توانایی حفظ روابط عاطفی نزدیک است (دراک^۳، ۲۰۱۱؛ بارتل هرینگ و لال^۴، ۲۰۱۰، احمدی و پاک‌نژاد، ۱۳۹۶).

به‌طوری‌که این ویژگی را در دو سطح می‌توان بررسی کرد، فرایندی که در درون فرد رخ می‌دهد و فرایندی که در روابط افراد به وقوع می‌پیوندد. در بعد درون روانی تمایز خود، ظرفیتی برای خودتنظیمی در فرد ایجاد می‌کند که در آن فرد را قادر به جداسازی فرایندهای فکری از فرایندهای عاطفی و نیز توانایی برای دستیابی به هویتی محکم و قوی و بیان آزادانه افکار و دیدگاه‌های فردی می‌کند. در بعد بین فردی آمیختگی با دیگران یا جدایی عاطفی هر دو بیانگر سازوکارهای رفتاری برای تنظیم فاصله، مدیریت احساسات عاطفی یا تهدیدات

۱. Fincham, F & Beach, S

۲. Curran, M; Ogolsky, B; Hazen, N & Bosch, L

۳. Drak, J

۴. Bartle – Haring, S & Lal, A

درک شده برای امنیت است (احمدی و پاک نژاد، ۱۳۹۶). تحقیقات اخیر نشان داده که بین تمایز یافتگی خود با بهزیستی روان‌شناختی (اسکوورن، استانی و شاپیرو^۱، ۲۰۰۹)، رضایت از زندگی زناشویی (پلگ و ایتزاک^۲، ۲۰۱۰) و قضاوت اخلاقی (اسکوورن، ۲۰۰۰)، ارتباط مثبت وجود دارد. در پژوهش کیم و جونگ^۳ (۲۰۱۵)، تمایز یافتگی با کیفیت زندگی زناشویی رابطه مثبت داشته است. همچنین بین تمایز خویشتن و اضطراب جدایی (پلگ، هالابی و وابی^۴، ۲۰۰۶؛ پلگ و همکاران، ۲۰۱۰)، علائم افسردگی (الیسن و رابین^۵، ۲۰۰۱، پلگ و راهل^۶، ۲۰۱۲)، اضطراب اجتماعی (پلگ، ۲۰۰۲، ۲۰۰۴)، اختلال شخصیت مرزی (سولار^۷، ۲۰۱۲) و اعتیاد (توایسون و فریدلندر^۸، ۲۰۰۰)، در این تحقیقات نشان داده شده است (به نقل از آقا یوسفی، اورکی، قربانی و مهدیه، ۱۳۹۵). از سوی دیگر، تحقیقات نشان می‌دهد که افراد تمایز نیافته سطوح بالاتری از اضطراب مزمن و نشانگان روان‌شناختی و جسمی از قبیل اضطراب، افسردگی، سردرد، سوء مصرف مواد، مصرف الکل و روان‌پریشی را تجربه می‌کنند (جانسون، والتر و سیمن^۹، ۲۰۰۳، ثوربرگ و لیورز^{۱۰}، ۲۰۰۶، بیب و فریش^{۱۱}، ۲۰۰۹، به نقل از آقا یوسفی، اورکی، قربانی و مهدیه، ۱۳۹۵). یکی دیگر از عواملی که تداوم و ثبات زندگی مشترک خانوادگی را با خطر مواجه می‌سازد و نقش مهمی در تعارضات خانواده دارد، عامل اقتصادی خانواده است. هنگامی که زوجین با مشکلات مالی

۱. Skowron, E; Stanley, K & Shapiro, M

۲. M Peleg, O & Yitzhak

۳. Kim, H & Jung, Y

۴. Peleg, O; Halaby, E & Whaby, E

۵. Elieson, M & Rubin, L

۶. Peleg, O & Rahal, A

۷. Solar, J

۸. Tuason, M & Friedlander, M

۹. N Jounson, P; Walter, B & Seeman

۱۰. Thorberg, F & Lyvers, M

۱۱. Beebe, R & Frisch, M

روبرو می‌شوند، تعامل‌های مثبت بین آن‌ها کاهش می‌یابد و از این طریق کیفیت رابطه زناشویی تحت تأثیر قرار می‌گیرد (طاهری، ۱۳۹۱). ویلیامز و همکاران^۱ (۲۰۱۵)، در پژوهشی نشان دادند که بین مشکلات اقتصادی و اختلاف زناشویی رابطه وجود دارد. پایگاه اقتصادی ضعیف علاوه بر اینکه سلامت جسمی را به خطر می‌اندازد، می‌تواند سلامت روانی را با خطر مواجه کند. افرادی که سلامت روانی بیشتری دارند آسیب‌پذیری آن‌ها در برابر بیماری‌های روانی کمتر است و توانایی فائق آمدن بر مشکلات بین فردی و اجتماعی خود را دارا هستند (کریمی، مصری پور، آقایی، معروفی، ۱۳۹۲). در مقابل افرادی که از سلامت روانی کافی برخوردار نیستند در صورت مواجه شدن با مسائل و مشکلات زندگی توانایی حل موفقیت‌آمیز آن‌ها را ندارند و قادر نیستند که برای آینده خود برنامه‌ریزی موفق داشته باشند. طبق تعریف DSM-۵، اختلال روانی عبارت است از یک گروه نشانه‌های هیجانی، شناختی یا رفتاری که (۱) باعث رنج شخصی می‌شوند یا (۲) در روابط اجتماعی، شغلی، تحصیلی و سایر زمینه‌های زندگی مشکلات جدی به وجود می‌آورند (گنجی، ۱۳۹۵). محیط خانواده‌ای که در آن ناسازگاری و دعوا بین والدین به‌طور مستمر جریان دارد و مخالفت‌ها و کشمکش‌های عاطفی، روابط بین والدین را تیره می‌سازد، اثرات منفی بر رفتار کودکان و رشد عاطفی و اجتماعی آنان می‌گذارد. ناهماهنگی و تضاد بین والدین باعث به وجود آمدن افکار و رفتار منفی نسبت به کودک می‌گردد و این به نوبه خود باعث اختلال در توانایی اجتماعی، شناختی و افزایش رفتارهای ضداجتماعی در کودکان می‌شود (هدرینگتون و پارک^۲، ۱۹۹۳، حمدیه و شهیدی، ۱۳۸۷). برعکس در خانواده‌هایی که والدین با فرزندان خود روابط محبت‌آمیز دارند، شرایط را برای سازندگی بیشتر آن‌ها فراهم می‌کنند. محبت، عامل سلامت جسم و روان است و فقدان آن باعث ظهور نابهنجاری‌های رفتاری می‌شود. فردی که از سلامت روانی خوبی برخوردار است می‌تواند با حوادث روزافزون و مشکلات زندگی مقابله کند، اهداف خود را در زندگی دنبال کند و عملکرد مؤثری در جامعه داشته باشد. سلامت روان زمینه رشد مهارت‌های فکری و ارتباطی را فراهم می‌سازد و

۱۲. William, D; Jacob, J & Cheadle, B

۲. Hrtherington, E & park, RD

باعث رشد عاطفی، انعطاف پذیری و عزت نفس می شود (کاوه، ۱۳۹۱). مک و همکاران^۱ (۲۰۱۵)، در پژوهشی نشان دادند که اختلالات روانی موجب کاهش کیفیت زندگی می گردند. در ایران نیز نتایج برخی پژوهش ها نظیر (مصلی نژاد و امینی ۱۳۸۳)، حاکی از آن است که شهرنشینان بیشتر از روستاییان به مراکز روان پزشکی مراجعه می کنند. اختلاط روانی می تواند تبعات جدی برای اقتصاد و جامعه داشته باشد و باعث شود تا فرد مبتلا به اختلال روانی و خانواده اش از چرخه تولید و اقتصاد خارج شوند (کاوه، ۱۳۹۱). از سوی دیگر وجود تعارضات خانوادگی باعث می شود محیط خانواده برای تربیت فرزندان ناامن و نامناسب شود. وقتی خانواده کانون مناسبی برای زندگی نباشد، انسان سعی می کند اوقات خود را در خارج از خانواده بگذراند و این عمل ارتباط او را با دیگران - که چون شکارچیان ماهری به دنبال شکار می گردند - افزایش می دهد و آن ها نیز پس از آگاهی به مسائل و مشکلات شخص، در نقش انسانی دلسوز ظاهر شده و فرد را به سمت انحراف سوق می دهند. از طرفی دیگر، بروز آسیب های اجتماعی در نوجوانانی که والدین را بهترین دوست خود می دانند کمتر مشاهده می شود زیرا آن ها مشکلات خود را با والدین در میان می گذارند و آن ها را مطمئن ترین افراد در مطرح کردن مشکلات خود می دانند. آسیب های اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی گفته می شود که در چهارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی رسمی و غیر رسمی جامعه محل فعالیت کنشگران قرار نمی گیرد و در نتیجه با منع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبه رو می گردد (ستوده، ۱۳۹۴). سدرمنز و اسوایس گود^۲ (۲۰۱۴) در تحقیقی به "بررسی اثرات نوع خانواده، مدل های روابط خانوادگی و نقش والدین در بزهکاری و مصرف مشروبات الکلی در نوجوانان" پرداختند. نتایج نشان داد که کودکانی که در خانواده های ناسالم هستند، بیشتر احتمال دارد که به بزهکاری و نوشیدن الکل در سن زیر ۱۶ سال روی بیاورند. دستیابی به جامعه سالم در گرو خانواده سالم است. برای تحقق خانواده سالم، اعضای آن بایستی از سطح تمایز یافتگی بالایی برخوردار باشند. افراد تمایز یافته می توانند موقعیت خود را در روابط صمیمانه حفظ کنند و در روابط متضاد آرام بمانند و مشکلات ارتباطی را

۲. Mack, S; Jacobi, F; Baum, K; gerschler, A; Strehle, J; Hofler, M & Wittchen, H

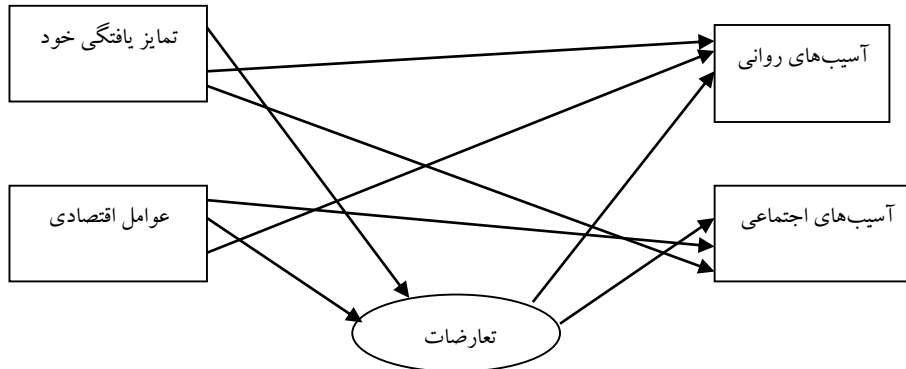
۱. Sodermans, V & Swicegood, M

به‌طور مؤثر حل‌وفصل کنند و به مصالحه برسند. در مقابل افراد تمایز نیافته به همجوشی با دیگران می‌پردازند و به استرس‌های ارتباطی با واکنش‌های احساسی پاسخ می‌دهند (لامپس، کتودالا و آگوس^۱، ۲۰۱۸). سانگ و یانگ^۲ (۲۰۱۳)، در تحقیقی نشان دادند که توانایی خود متمایزسازی و عزت‌نفس، رابطه نزدیکی با سلامت روان دارد. افزون بر آن برای تحقق خانواده سالم، زوجین بایستی از حداقل تمکن مالی برخوردار باشند چراکه برخورداری از حداقل توان مالی در بقا و ثبات و دوام زندگی زناشویی نقش اساسی دارد. خانواده‌هایی که با فشارهای اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، تعامل‌های زناشویی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و به تدریج خصومت بین زن و شوهر افزایش پیدا می‌کند و صمیمیت و کیفیت زناشویی پایین می‌آید و روابط بی‌ثبات می‌گردد. (منوچهری، ۱۳۹۲). از منظر آسیب‌شناسی اجتماعی فقر نیز می‌تواند عامل عمده‌ای در شکل‌گیری نابسامانی‌های رفتاری و روانی و در نتیجه موجب شیوع انواع کج‌روی‌های اجتماعی به‌خصوص اعتیاد به مواد مخدر و حتی خودکشی باشد (ستوده، ۱۳۹۴). سوگار^۳ (۲۰۱۷)، در پژوهشی به بررسی تأثیر فرایند و ساختار خانواده در بزهکاری نوجوانان پرداخت. این پژوهش از سه منظر به بررسی رابطه بین خانواده و بزهکاری نوجوانان می‌پردازد. روش اول بر فرایندهای روانی و تعاملات بین کودکان و والدین آن‌ها متمرکز است دوم؛ نقش ساختار خانواده را در نظر می‌گیرد و در رویکرد نهایی به بررسی تأثیر عوامل اقتصادی بر عملکرد خانواده و بزهکاری می‌پردازد. یافته‌ها نشان داد که دل‌بستگی بین والدین و نوجوانان باعث تفاوت در مشارکت نوجوانان در بزهکاری می‌شود.

۱. M Lampis, J; Cataudella, S; & Agus

۲. Sang, K & Young, J

۳. Sogar, O



شکل شماره ۱: مدل مفهومی تعارضات خانوادگی

با توجه به اهمیت نهاد خانواده، ضروری است که دلایل اختلال و تعارضات در خانواده مورد ارزیابی دقیق علمی قرار گیرد. با آشکار شدن دلایل بروز تعارض در خانواده و پیامدهای زیان‌بار آن، پیشگیری و مداخلات درمانی، می‌توان بنیان خانواده را استحکام بخشید تا جامعه از این رهگذر ثبات و دوام بیشتری داشته باشد. لذا در این پژوهش محققان به دنبال پاسخگویی به این پرسش بودند که آیا بین تمایز یافتگی خود و عوامل اقتصادی در کاهش تعارضات خانوادگی رابطه وجود دارد؟ و سهم هر کدام از این عوامل در پیشگیری از آسیب‌های روانی و اجتماعی چه قدر است؟ به همین منظور ۸ فرضیه مستقیم و ۴ فرضیه غیرمستقیم تدوین شد که در بخش یافته‌ها به آن‌ها پرداخته شده است.

روش

روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی و به‌طور خاص از نوع مدل معادلات ساختاری است. کلیه افراد متأهل ساکن شهر بندرعباس که در قالب خانواده در مرکز این شهر ساکن بودند، جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند. در این پژوهش از روش تخمینی برای نمونه‌گیری استفاده شده است. دلیل استفاده از این روش در دسترس نبودن جامعه آماری یعنی خانواده‌های ساکن شهر بندرعباس یا همان N بزرگ است؛ زیرا اغلب پژوهشگران از سرشماری و یا داده‌های جمع‌آوری شده مرکز آمار ایران استفاده می‌نمایند و نیز راهی برای دسترسی به جامعه آماری یا تعداد خانواده‌های شهر بندرعباس وجود ندارد، زیرا مبنای کار

مرکز آمار ایران، خانوار هست نه خانواده. پس به این دلیل که جامعه آماری مشخص نبوده و در دسترس نمی‌باشد از جدول کرجسی و مورگان استفاده نموده و حداکثر تعداد ۴۲۰ خانواده به‌عنوان حجم نمونه انتخاب و بر اساس دو ملاک برگزیده شدند: ۱- داوطلب شرکت در پژوهش، ۲- هر دو نفر (زن و شوهر)، در قید حیات باشند و طلاق نگرفته باشند. به دلیل ماهیت تحقیق که غیر احتمالی و تخمینی است از شیوه نمونه‌گیری سهمیه‌ای که در بین روش‌های غیر احتمالی دارای اعتبار بیشتری است استفاده شد. در این روش شهر بندرعباس به ۲۰ منطقه تقسیم شد و از هر منطقه ۲۱ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب گردید. روش توزیع پرسشنامه به این صورت بود که ابتدا به درب منازل مراجعه کرده و سؤال شد که آیا مایل به همکاری با محقق هستید یا نه. در صورت عدم همکاری به خانه بعدی مراجعه و در صورت موافقت برای همکاری، توضیحات کامل ارائه شد که مرد یا زن پرسشنامه را تکمیل نماید. در ضمن در هر بلوک ۲۱ خانواده انتخاب شد (از این ۲۱ خانواده، ۱۰ خانواده پرسشنامه‌ها را، زوج خانم و ۱۱ خانواده بعدی را زوج آقا پر کردند) و به همین منوال جمعاً ۴۲۰ پرسشنامه توزیع گردید. پرسشنامه‌ها ابتدا توزیع و بعد از دو روز جمع‌آوری شدند. لازم به ذکر است که از تعداد کل پرسشنامه‌هایی که در اختیار ۴۲۰ نفر قرار گرفت ۴۱۱ مورد آن را به پژوهشگران برگشت دادند که پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص، تعداد ۴۰۰ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند. مناطقی که به‌عنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفتند عبارت‌اند از:

- ۱- پایگاه هوایی، ۲- شهرک توحید و الهیه ۳- گلشهر شمالی ۴- گلشهر جنوبی ۵-
- شهرک پرواز ۶- شهرک طلایه ۷- بلوار امام حسین ۸- شهرک طلوع ۹- آزادشهر و
- زیباشهر ۱۰- آزادگان و فرودگاه قدیم ۱۱- نایند شمالی و جنوبی ۱۲- شهرک امام رضا و
- محلّه چاهستانی‌ها ۱۳- درخت سبز و شیر اول و دوم و سوم ۱۴- محلّه شمیلی‌ها و محلّه
- اوزیها ۱۵- سید کامل، فلکه قدس و سه‌راه سازمان ۱۶- ششصد دستگاه و محلّه ۱۷ ۲۰۰۰-
- سورو، پشت شهر و سه‌راه جهانبار ۱۸- شهرک باهنر، شهرک ولیعصر و امام ۱۹- شهناز و
- چهارراه فاطمیه ۲۰- سیم بالا و خواجه عطا. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های آماری پژوهش حاضر کلیه اطلاعات با استفاده از کامپیوتر و از طریق نرم‌افزارهای آماری (SPSS (۲۳) و

(۸,۷) Lisrel مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در تجزیه و تحلیل توصیفی اطلاعات، شاخص‌های آمار توصیفی شامل (محاسبه جداول توزیع فراوانی و محاسبه شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی نظیر میانگین و انحراف معیار و ...)، برای پاسخگویان محاسبه شده است. در بخش تجزیه و تحلیل استنباطی به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش و به عبارتی تعمیم نتایج به دست آمده از نمونه به جمعیت آماری تحقیق، از روش تحلیل معادلات ساختاری استفاده شده است.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه تعارضات زناشویی تجدیدنظر شده ثنائی و همکاران:

این پرسشنامه در سال ۱۳۷۵ توسط ثنائی و براتی ساخته شده که در سال ۱۳۸۶ توسط ثنائی، براتی و بوستانی پور مورد تجدیدنظر قرار گرفت. این پرسشنامه یک ابزار ۵۴ سؤالی است که برای سنجش تعارضات زن و شوهری ساخته شده است که هشت حیطه‌ی تعارضات زوجین شامل؛ کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط مؤثر را بررسی می‌کند. آلفای کرون باخ برای کل پرسشنامه روی یک گروه ۲۷۰ نفری برابر با ۰/۹۶ به دست آمد و برای ۸ خرده‌مقیاس آن از این قرار است: کاهش همکاری ۰/۸۱؛ کاهش رابطه جنسی ۰/۶۱؛ افزایش واکنش‌های هیجانی ۰/۷۰؛ افزایش جلب حمایت فرزند ۰/۳۳؛ افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ۰/۸۶؛ کاهش رابطه با خویشاوندان همسر و دوستان ۰/۸۹؛ جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰/۷۱ و کاهش ارتباط مؤثر ۰/۶۹. در پژوهش حاضر، به بررسی پایایی این ابزار پرداخته شد که ضریب آلفای به دست آمده برای کل پرسشنامه ۰/۹۰ بود و برای خرده‌مقیاس‌های آن پایایی قابل قبول به دست آمد.

فرم کوتاه پرسشنامه تمایز یافتگی خود DSI-SH:

پرسشنامه تمایز یافتگی خود (DSI-SH)، توسط دریک در سال ۲۰۱۱ ساخته شد. این مقیاس شامل ۲۰ سؤال است که چهار خرده مقیاس را شامل می‌شود. این چهار خرده مقیاس عبارت‌اند از: واکنش‌پذیری هیجانی، جایگاه من، برش هیجانی و هم‌آمیختگی با دیگران. دریک (۲۰۱۱)، در پژوهش خود پایایی این خرده مقیاس را از طریق روش آلفای کرونباخ بررسی نمود. وی ضریب آلفای کرونباخ را برای خرده مقیاس واکنش‌پذیری هیجانی ۰/۸۸، جایگاه من ۰/۸۵، برش هیجانی ۰/۷۹ و هم‌آمیختگی با دیگران ۰/۷۰ برآورد نمود. همچنین تحلیل عامل تأییدی وجود چهار عامل ذکر شده را تأیید نمود. در ایران نیز فخاری و همکاران (۱۳۹۰)، به بررسی مشخصات روان‌سنجی این پرسشنامه اقدام نمودند. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۷۸، جایگاه من ۰/۶۷، واکنش‌پذیری هیجانی ۰/۴۸، هم‌آمیختگی با دیگران ۰/۷۶ و برش هیجانی ۰/۷۳ به دست آمده آمد. همچنین تحلیل عاملی انجام شده توسط آن‌ها چهار عامل موجود در این پرسشنامه را تأیید نمود. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۴ بود.

پرسشنامه نقش عوامل اقتصادی در تعارضات خانواده

این پرسشنامه توسط طاهری (۱۳۹۱)، ساخته شد و یک ابزار ۹ سؤالی است که باهدف بررسی و ارزیابی نقش عوامل اقتصادی در تعارضات خانواده طراحی شده است. برای هر سؤال ۵ گزینه در نظر گرفته شده است که به تناسب نمره ۱ تا ۵ به آن‌ها اختصاص داده شده است. طاهری (۱۳۹۱)، ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را بر روی یک نمونه ۲۸۴ نفری، ۰/۹۸ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه، ۰/۸۵ بود.

پرسشنامه چند وجهی شخصیتی مینه سوتا MMPI فرم کوتاه ۷۱ سوالی

فرم بلند پرسشنامه MMPI دارای ۵۶۷ گویه است که در سال ۱۹۴۳ توسط هاتاوی و مک کینلی در دانشگاه مینه سوتا ساخته شده است. MMPI در سال ۱۹۶۷ توسط کانن به ۷۱ سؤال تقلیل یافت. وی ادعا نمود که این ماده‌ها می‌توانند همان قدرت تشخیص آزمون اصلی (فرم بلند) را داشته باشد. این پرسشنامه برای افراد بالای ۱۶ سال و یا افرادی که حداقل ۸ کلاس سواد داشته باشند، قابل اجراست. در سال ۱۳۵۴، اخوت، براهنی، شاملو و نوع پرست، این آزمون را بر روی دانشجویان و دانش آموزان دختر و پسر هنجاریابی نمودند و از روایی و اعتبار خوبی نیز برخوردار می‌باشد (اعتبار آن بین ۰/۷۰ تا ۰/۸۰ است) (اخوت و دانشمند، ۱۳۵۷).

این آزمون شامل ۱۱ ماده می‌باشد (۳ مقیاس روایی و ۸ مقیاس بالینی). مقیاس‌های روایی عبارت‌اند از: دروغ سنجی، آشفتگی فکری و جنبه‌های دفاعی آزمودنی مقیاس‌های بالینی عبارت‌اند از: (Hs) هیپوکندری، (D) افسردگی، (Hy) هیستری، (Pd) انحراف اجتماعی، (Pa) پارانوئیا، (Pt) ضعف روانی، (Sc) اسکیزوفرنیا، (Ma) هیپومانیا.

در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه (۰/۸۴) و برای خرده مقیاس‌های بالینی آن (هیپوکندری ۰/۸۴، افسردگی ۰/۵۸، هیستری ۰/۵۸، انحراف اجتماعی ۰/۶۸، پارانوئیا ۰/۶۲، ضعف روانی ۰/۷۰، اسکیزوفرنیا ۰/۵۲، هیپومانیا ۰/۶۴) بود.

پرسشنامه سنجش نگرش به آسیب‌های اجتماعی

این پرسشنامه توسط آقای و تیمورتاش (۱۳۸۹)، ساخته شد و یک ابزار ۲۱ سؤالی است که باهدف بررسی و ارزیابی نگرش پیرامون بعضی از آسیب‌های اجتماعی نظیر (سرقت، فرار از خانه، مواد مخدر) تهیه شده است. برای هر سؤال ۵ گزینه در نظر گرفته شده است که به تناسب نمره ۱ تا ۵ به آن‌ها اختصاص داده شده است. آقای و تیمورتاش (۱۳۸۹)، ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه مذکور را ۰/۸۵ گزارش کرده‌اند. میزان آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر

برای پرسشنامه نگرش نسبت به آسیب‌های اجتماعی ۰/۷۴ می‌باشد که این مقدار حد قابل قبولی می‌باشد.

یافته‌ها

در این پژوهش، یافته‌های پژوهش بر مبنای مدل معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل شده است. بر مبنای مدل پژوهش، آسیب روانی و آسیب اجتماعی به عنوان متغیرهای درون‌زاد، متغیر تمایز یافتگی خود، عوامل اقتصادی، به عنوان متغیرهای برون‌زاد و متغیر تعارضات خانواده به عنوان متغیر میانجی در نظر گرفته شده است.

جدول شماره ۱: نرمال بودن متغیرهای مورد مطالعه در پژوهش حاضر

متغیر	آماره	درجه آزادی	سطح معنی داری
تمایز یافتگی	۰/۰۴	۴۰۰	۰/۲۰
نقش عوامل اقتصادی	۰/۰۵	۴۰۰	۰/۰۷
تعارضات زناشویی	۰/۰۳	۴۰۰	۰/۲۰
آسیب روانی	۰/۰۳	۴۰۰	۰/۲۰
آسیب اجتماعی	۰/۰۳	۴۰۰	۰/۲۰

همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده شد: مفروضه نرمال بودن برای تمام متغیرهای مورد مطالعه با سطح معنی داری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ تأیید شد. ($p > 0,05$). فرضیه اصلی پژوهش: بین متغیرهای تمایز یافتگی و عوامل اقتصادی با آسیب روانی و آسیب‌های اجتماعی با میانجی‌گری تعارضات خانواده ارتباط وجود دارد. برای بیان منطقی همبستگی‌های مشاهده شده از تحلیل معادلات ساختاری استفاده شد. قبل از ارائه نتایج رابطه بین متغیرهای مکنون، نتایج مربوط به تحلیل عاملی تأییدی (پرسشنامه‌های پژوهش) ارائه شده است.

جدول شماره ۲: ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	تمایز یافتگی خود	عوامل اقتصادی	تعارضات خانواده	آسیب روانی
تمایز یافتگی	۰/۲۴**	۰/۳۳**	-۰/۳۴**	۱
عوامل اقتصادی	-۰/۳۷**	-۰/۲۶**	۰/۲۲**	-۰/۱۳**
تعارضات	-۰/۶۲**	۰/۳۸**	۰/۴۳**	-۰/۲۲**
آسیب روانی	۰/۴۴**	-۰/۴۳**	۰/۴۵**	-۰/۴۶**
آسیب اجتماعی	-۰/۲۷**	-۰/۲۳**	۰/۲۰**	-۰/۱۵**

جدول شماره ۲، نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مورد مطالعه پژوهش را نشان داد که همگی معنی دار بودند.

جدول شماره ۳: بارهای عاملی استاندارد شده، ضریب تعیین و آماره t برای پرسشنامه آسیب روانی (MMPI)

عامل	مؤلفه‌ها	بار عاملی	ضریب تعیین R ^۲	آماره t
آسیب روانی	هیپوکندری	۰/۴۶	۰/۲۱	۱۱/۴۶*
	افسردگی	۰/۷۱	۰/۵۰	۸/۸۶*
	هیستری	۰/۳۷	۰/۱۳	۶/۱۱*
	انحراف اجتماعی	۰/۶۸	۰/۴۶	۸/۷۰*
	پارانویا	۰/۷۱	۰/۵۰	۸/۸۲*
	ضعف روانی	۰/۸۱	۰/۶۵	۹/۳۰*
	اسکیزوفرنیا	۰/۸۲	۰/۶۷	۹/۳۴*
	هیپومانیا	۰/۸۹	۰/۷۹	۹/۶۰*

* $P < ۰/۰۱$

در جدول شماره ۳ برآورد پارامترهای استاندارد شده بارهای عاملی، ضرایب تعیین و مقدار t برای پرسشنامه MMPI که برای اندازه‌گیری آسیب روانی استفاده شده است، ارائه شده است. پارامترهای مدل همگی معنی دار بودند ($p < ۰/۰۱$) و مقدار قابل توجهی از واریانس عوامل مربوطه را برآورد کردند (مقدار R^۲ بین ۰/۱۳ تا ۰/۷۹).

جدول شماره ۴: بارهای عاملی استاندارد شده، ضریب تعیین و آماره t برای پرسشنامه آسیب اجتماعی

عامل	مؤلفه‌ها	بار عاملی	ضریب تعیین R ^۲	آماره t
آسیب اجتماعی	نگرش نسبت به سرقت	۰/۵۳	۰/۲۸	۱۱/۷۳*
	نگرش نسبت به مواد مخدر	۰/۵۸	۰/۳۳	۶/۹۹*
	نگرش نسبت به فرار از خانه	۰/۶۹	۰/۴۷	۷/۱۳*

$P < ۰/۰۱$ *

در جدول شماره ۴ برآورد پارامترهای استاندارد شده بارهای عاملی، ضرایب تعیین و مقدار t برای پرسشنامه آسیب اجتماعی ارائه شده است. پارامترهای مدل همگی معنی دار بودند ($p < ۰/۰۱$) و مقدار قابل توجهی از واریانس عوامل مربوطه را برآورد کردند (مقدار R^۲ بین ۰/۲۸ تا ۰/۴۷).

جدول شماره ۵: بارهای عاملی استاندارد شده، ضریب تعیین و آماره t برای پرسشنامه

تعارضات خانواده

عامل	مؤلفه‌ها	بار عاملی	ضریب تعیین R ^۲	آماره t
تعارضات خانواده	کاهش همکاری	۰/۷۵	۰/۵۶	۱۱/۹۲*
	کاهش رابطه جنسی	۰/۷۲	۰/۵۱	۱۴/۱۸*
	افزایش جلب حمایت فرزند	۰/۶۰	۰/۳۶	۱۱/۷۹*
	افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود	۰/۸۱	۰/۶۵	۱۶/۲۲*
	کاهش رابطه با خویشاوندان همسر	۰/۸۲	۰/۶۷	۱۶/۴۷*
	جدا کردن امور مالی	۰/۵۸	۰/۳۳	۱۱/۲۵*
	کاهش ارتباط مؤثر	۰/۷۱	۰/۵۰	۱۴/۱۷*

$P < ۰/۰۱$ *

در جدول شماره ۵ برآورد پارامترهای استاندارد شده بارهای عاملی، ضرایب تعیین و مقدار t برای پرسشنامه تعارضات خانواده ارائه شده است. پارامترهای مدل همگی معنی دار

بودند ($p < 0/01$) و مقدار قابل توجهی از واریانس عوامل مربوطه را برآورد کردند (مقدار R^2 بین $0/33$ تا $0/67$).

جدول شماره ۶: آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پیش‌بین بر متغیرهای ملاک بر اساس ضرایب استاندارد

T	ضریب تعیین R^2	انواع تأثیر			متغیرها
		کل	غیرمستقیم	مستقیم (بارعاملی)	
-۵/۹۱**	۰/۱۱	-۰/۳۲	۰/۰۰۱	-۰/۳۳	تمایز یافتگی بر آسیب روانی
-۰/۸۶	۰/۰۰۳	-۰/۰۶	۰/۰۰۱	-۰/۰۶	تمایز یافتگی بر آسیب اجتماعی
۰/۳۷	۰/۰۰۰۴	۰/۰۲	-	۰/۰۲	تمایز یافتگی بر تعارضات خانواده
۳/۰۶**	۰/۰۱۶	۰/۱۴	۰/۰۱	۰/۱۳	عوامل اقتصادی بر آسیب روانی
۳/۱۲**	۰/۰۳۲	۰/۲۱	۰/۰۳	۰/۱۸	عوامل اقتصادی بر آسیب اجتماعی
۲/۵۳**	۰/۰۱۲	۰/۱۱	-	۰/۱۱	عوامل اقتصادی بر تعارضات خانواده
۲/۰۱**	۰/۰۱۶	۰/۱۳	-	۰/۱۳	تعارضات خانواده بر آسیب روانی
۳/۱۵**	۰/۰۹	۰/۳۰	-	۰/۳۰	تعارضات خانواده بر آسیب اجتماعی

بر اساس نتایج تحلیل معادلات ساختاری که در جدول شماره ۶ مشاهده شد:

متغیر تمایز یافتگی با ضریب استاندارد $-0/33$ - به صورت مستقیم و منفی متغیر آسیب روانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این رابطه T برابر $5/95$ - است که از لحاظ آماری معنی‌دار است ($T > 1,96$). متغیر تمایز یافتگی با ضریب استاندارد $-0/001$ - به صورت غیرمستقیم و از طریق تعارضات خانواده متغیر آسیب اجتماعی را به صورت منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این رابطه T برابر $0/37$ است که از لحاظ آماری معنی‌دار نیست ($T < 1,96$). در کل اثر تمایز یافتگی بر آسیب روانی $-0/32$ بود که این مقدار با $T = -5/91$ از نظر آماری معنی‌دار بود. ($T > 1,96$).

متغیر تمایز یافتگی با ضریب استاندارد $-0/06$ - به صورت مستقیم و منفی متغیر آسیب اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این رابطه T برابر $0/95$ - است که از لحاظ آماری معنی‌دار نیست ($T < 1,96$). متغیر تمایز یافتگی با ضریب استاندارد $0/001$ - به صورت

غیرمستقیم و از طریق تعارضات خانواده متغیر آسیب اجتماعی را به صورت مثبت تحت تأثیر قرار می دهد. در این رابطه T برابر ۰/۳۷ است که از لحاظ آماری معنی دار نیست ($T < 1,96$). در کل اثر تمایز یافتگی بر آسیب اجتماعی ۰/۰۰۳ بود که این مقدار با $T = 0,86$ از نظر آماری معنی دار نبود. ($T < 1,96$).

متغیر تمایز یافتگی با ضریب استاندارد ۰/۰۲ به صورت مستقیم و مثبت متغیر تعارضات خانواده را تحت تأثیر قرار می دهد. در این رابطه T برابر ۰/۳۷ است که از لحاظ آماری معنی دار نیست ($T < 1,96$).

متغیر عوامل اقتصادی با ضریب استاندارد ۰/۱۳ به صورت مستقیم و مثبت متغیر آسیب روانی را تحت تأثیر قرار می دهد. در این رابطه T برابر ۲/۷۶ است که از لحاظ آماری معنی دار است ($T > 1,96$). متغیر عوامل اقتصادی با ضریب استاندارد ۰/۰۱ به صورت غیرمستقیم و از طریق تعارضات خانواده متغیر آسیب روانی را به صورت مثبت تحت تأثیر قرار می دهد. در این رابطه T برابر ۱/۵۸ است که از لحاظ آماری معنی دار نیست ($T < 1,96$). در کل اثر عوامل اقتصادی بر آسیب روانی ۰/۱۴ بود که این مقدار با $T = 3,06$ از نظر آماری معنی دار بود. ($T > 1,96$).

متغیر عوامل اقتصادی با ضریب استاندارد ۰/۱۸ به صورت مستقیم و مثبت متغیر آسیب اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهد. در این رابطه T برابر ۲/۶۶ است که از لحاظ آماری معنی دار است ($T > 1,96$). متغیر عوامل اقتصادی با ضریب استاندارد ۰/۰۳ به صورت غیرمستقیم و از طریق تعارضات خانواده متغیر آسیب اجتماعی را به صورت مثبت تحت تأثیر قرار می دهد. در این رابطه T برابر ۱/۹۹ است که از لحاظ آماری معنی دار است ($T > 1,96$). در کل اثر عوامل اقتصادی بر آسیب اجتماعی ۰/۲۱ بود که این مقدار با $T = 3,12$ از نظر آماری معنی دار بود. ($T > 1,96$).

متغیر عوامل اقتصادی با ضریب استاندارد ۰/۱۱ به صورت مستقیم و مثبت متغیر تعارضات خانواده را تحت تأثیر قرار می دهد. در این رابطه T برابر ۲/۵۳ است که از لحاظ آماری معنی دار است ($T > 1,96$).

متغیر تعارضات خانواده با ضریب استاندارد ۰/۱۳ به صورت مستقیم و مثبت متغیر آسیب روانی را تحت تأثیر قرار می دهد. در این رابطه T برابر ۰/۱ است که از لحاظ آماری معنی دار است ($T > 1,96$).

متغیر تعارضات خانواده با ضریب استاندارد ۰/۳۰ به صورت مستقیم و مثبت متغیر آسیب اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهد. در این رابطه T برابر ۳/۱۵ است که از لحاظ آماری معنی دار است ($T > 1,96$).

جدول شماره ۷: شاخص های برازش مدل معادلات ساختاری

نام شاخص	میزان کفایت برازش
آماره خی دو (χ^2) و معناداری آن	۱۱۳۰/۱۷ $P < 0/05$
خی دو به درجه آزادی	۲۰۸
ریشه خطای میانگین مجذورات تقریبی (RMSEA)	۰/۰۸
شاخص نرم شده برازش (NFI)	۰/۹۱
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	۰/۹۳
شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۸۱

شاخص های گزارش شده در تحلیل معادلات نشان دهنده برازش مطلوب داده ها با مدل است. بدین معنی که مؤلفه های پرسشنامه های آسیب روانی، نگرش نسبت به آسیب های اجتماعی و تعارضات خانوادگی تشکیل دهنده سازه های مکنون هستند؛ و همچنین رابطه بین سه متغیر مکنون نیز با ۲ متغیر مستقل مشاهده شده با داده ها برازش دارند. البته آزمون خی دو از نظر آماری معنی دار است که می توان گفت حجم نمونه زیاد است و آزمون خی دو نسبت به زیاد بودن حجم نمونه خیلی حساس است. چنانچه اندازه نمونه کم باشد، فراوانی های مورد انتظار نیز کوچک خواهند شد. در نتیجه توزیع نمونه که به وسیله محاسبه خی دو به این شیوه به دست بیاید، با توزیع نظری مطابقت نخواهد داشت.

بحث و نتیجه گیری

برای تجزیه و تحلیل این فرضیه‌ها از تحلیل معادلات ساختاری استفاده شده است و مشخص گردید که هر چه تمایز یافتگی خود بیشتر باشد میزان آسیب روانی کمتر است. این یافته با نتایج پژوهش‌های فخاری و لطیفیان (۱۳۹۳)، اسکندری و همکاران (۱۳۹۵)، چانگ و گیل (۲۰۰۶)، اسکورن و همکاران (۲۰۰۹) و سانگ و یانگ (۲۰۱۳)، همخوانی دارد.

نتایج دیگر فرضیه‌های مربوط به تمایز یافتگی خود: تمایز یافتگی خود از طریق تعارضات خانواده نقشی در آسیب‌های روانی ندارد و بین تمایز یافتگی خود و نگرش نسبت به آسیب‌های اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. همچنین تمایز یافتگی خود از طریق تعارضات خانواده نقشی در آسیب‌های اجتماعی ندارد و در نهایت بین تمایز یافتگی خود و تعارضات خانواده رابطه‌ای وجود ندارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های زارعی و همکاران (۱۳۹۰)، بلیاد و همکاران (۱۳۹۲)، دانشور و همکاران (۱۳۹۳)، عسکری و همکاران (۱۳۹۴)، تایلر و فرانسیس (۲۰۰۸)، کیم و جونگ (۲۰۱۵) و لوهان و گاپتا (۲۰۱۶)، ناهمخوان می‌باشند اما یافته‌های مذکور با پژوهش‌های پاتریک و همکاران (۲۰۰۷) و تیم و کلای (۲۰۱۱)، همخوان می‌باشند. پاتریک و همکاران (۲۰۰۷)، پژوهشی با عنوان "صمیمیت، تمایز یافتگی و تغییرات شخصیتی به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های رضایت زناشویی" انجام دادند. یافته‌های این مطالعه، از صمیمیت و حمایت زوجی به عنوان متغیرهای قوی در پیش‌بینی رضایت زناشویی پشتیبانی می‌کند اما هیچ رابطه‌ای بین تمایز یافتگی و رضایت زناشویی یافت نشد. همچنین مدت زمان ازدواج، فرزندان، سن، کار، سابقه زندگی مشترک، تقسیم کار و درآمد پیش‌بینی‌کننده معنی‌داری از رضایت زناشویی نبودند. همچنین تیم و کلای (۲۰۱۱)، پژوهشی با عنوان "اثرات تمایز یافتگی خود، دل‌بستگی بزرگ‌سالان و ارتباط جنسی بر روی رضایت جنسی و زناشویی" انجام دادند. نمونه مورد پژوهش ۲۰۵ نفر از بزرگ‌سالان متأهل بوده است. نتایج تجزیه و تحلیل مسیر نشان داد که الف) تمایز یافتگی خود هیچ تأثیر مستقیمی بر رضایت زناشویی و جنسی حال نداشته است اما به طور قابل توجهی با ارتباط جنسی رابطه داشته است. ب) دل‌بستگی بزرگ‌سالان اثر مستقیمی بر رضایت زناشویی داشته است اما در رضایت جنسی تأثیری نداشته است. ج) ارتباط جنسی یک متغیر میانجی بوده است. د) ارتباط جنسی رابطه مثبتی با رضایت جنسی و رضایت زناشویی داشته است و ه) تفاوت‌های

جنسیتی در مدل وجود نداشته است. در تبیین این یافته‌ها، بر اساس نظریه بوئن تمایز خود، جدایی روانی عقل و هیجان و استقلال خود از دیگران را شامل می‌شود. افراد در جریان تفرد درک هویت خویش را کسب می‌کنند. این تمایز از خانواده اصلی آن‌ها را قادر می‌سازد تا مسئولیت افکار، احساسات، ادراک‌ها و اعمال خود را بپذیرند. فرد تمایز یافته در برخورد با مسائل و مشکلات زندگی توانایی برخورد منطقی و عقلانی را دارد و می‌تواند از برخورد با مسائل به صورت احساسی جلوگیری کند (طالبی و غباری بناب، ۱۳۹۱). این افراد توانایی رشد "من مستقل" را در روابط صمیمانه دارند و می‌توانند در روابط عمیق و زناشویی آرامش و راحتی خود را حفظ کنند و در بعد درون شخصیتی به راحتی می‌توانند احساساتشان را از عقلانیتشان جدا کنند و در موقعیت‌های مشکل‌زای زندگی قادر به استفاده از نظام عقلانی خود در چگونگی واکنش و حل موقعیت‌ها می‌باشند. در بعد بین فردی نیز این افراد می‌توانند روابط صمیمانه و عمیقی با دیگران برقرار کنند و در عین حال استقلال خود را حفظ کنند. زندگی این افراد توسط خودشان اداره می‌شود نه توسط هیجان‌ات و یا اشخاص دیگر. افراد با سطح تمایز بالا در ازدواج، دارای پختگی هیجانی هستند، انعطاف پذیرند، قادر به برقراری و ادامه روابط صمیمانه با یکدیگرند و می‌توانند از آن لذت ببرند. مجموعه این عوامل باعث می‌شود آن‌ها در زندگی مشترک خود احساس رضایت و خشنودی کنند (تیموری آسفیچی، غلامعلی لواسانی و بخشایش، ۱۳۹۱). از طرف دیگر به نظر می‌رسد افراد کمتر تمایز یافته از لحاظ هیجانی با سایرین هم آمیخته‌اند و به دلیل غلبه احساسات در زندگی از توانایی کمی برای تصمیم‌گیری یا حل مشکلاتشان به طور مستقل برخوردارند. این افراد سطح اضطراب مزمن بیشتری را تجربه کرده، عملکرد پایین‌تری داشته و از علائم روانی و فیزیولوژیکی بیشتری رنج می‌برند و در نتیجه می‌توان پیش‌بینی کرد که با مشکلات عدیده زناشویی روبرو می‌شوند (پلگک و زوآبی، ۲۰۱۴، دهقان، رضاییان فرجی و حسینیان، ۱۳۹۷). در رابطه با عدم همسویی یافته‌های پژوهش حاضر در زمینه نقش تمایز یافتگی خود در کاهش تعارضات زناشویی و نقش آن در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی می‌توان این گونه بیان کرد که شاید درک محتوای پرسشنامه برای نمونه مورد پژوهش تا حدی دشوار بوده است و یا می‌توان این گونه استدلال نمود که شرکت‌کنندگان به دلیل تعداد بالای پرسشنامه‌ها و زیاد بودن

تعداد سؤالات دقت لازم را مبذول نداشته‌اند. یافته دیگر این پژوهش این بود که هر چه نقش عوامل اقتصادی در تعارضات خانواده بیشتر باشد، آسیب‌های روانی نیز بیشتر است. همچنین هر چه نقش عوامل اقتصادی در تعارضات خانواده بیشتر باشد نگرش نسبت به آسیب‌های اجتماعی نیز مثبت‌تر است و عوامل اقتصادی از طریق تعارضات خانواده باعث مثبت‌تر شدن نگرش نسبت به آسیب‌های اجتماعی می‌شود و درنهایت هر چه نقش عوامل اقتصادی در خانواده بیشتر باشد، تعارضات خانواده نیز بیشتر است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های موحد و احمد پور (۱۳۹۱)، صفی نژاد (۱۳۹۲)، مظاهری و همکاران (۱۳۹۴)، گودمانسون و همکاران (۲۰۰۷)، داکین و وامپلر (۲۰۰۸)، هاردی و لوکاس (۲۰۱۰)، لی، ویکراما و سیمونز (۲۰۱۳)، نزار و همکاران (۲۰۱۵)، همخوانی دارد. در تبیین این یافته‌ها، یکی از مواردی که در تداوم و ثبات زندگی مشترک خانوادگی نقش مهمی را ایفا می‌کند برخورداری از حداقل توان مالی به‌عنوان پایه اقتصادی خانواده است. بر اساس دیدگاه مشکلات اقتصادی، محرومیت اقتصادی تعاملات مثبت زوجین را کاهش می‌دهد و آن‌ها را به‌سوی تضاد سوق می‌دهد. مشکلات اقتصادی در بین زوجینی که منافع خانوادگی آن‌ها برای بقا در سطح استاندارد و مناسب نمی‌باشد، از طریق افزایش خشونت و کاهش رفتارهای گرم و حمایت‌کننده‌ای که زوجین نسبت به هم ابراز می‌دارند، زندگی زناشویی آن‌ها را بی‌ثبات می‌کند و مردان در این خانواده‌ها بیشتر تعامل منفی دارند (طاهری، ۱۳۹۱). افزایش بیکاری به دلیل کاهش درآمد، مطلوبیت انتظاری ماندن در زندگی مشترک را کاهش می‌دهد و همچنین بر ابعاد مادی و غیرمادی آن تأثیر منفی دارد (فلاحی و دلدار، ۱۳۹۵) و درنهایت مشخص گردید که هر چه تعارضات خانواده بیشتر باشد میزان آسیب‌های روانی بیشتر و نگرش نسبت به آسیب‌های اجتماعی نیز مثبت‌تر است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های کرمی و همکاران (۱۳۹۱)، محمدزاده و همکاران (۱۳۹۳)، قنبری و همکاران (۱۳۹۳)، ریورا و همکاران (۲۰۰۸)، اسکر و همکاران (۲۰۰۹)، سدرمنز و همکاران (۲۰۱۴)، رایان و همکاران (۲۰۱۵) و سوگار (۲۰۱۷)، همخوانی دارد. در تبیین یافته‌های ذکر شده، خانواده در حکم بافت سلولی برای اندام‌های اجتماعی عمل می‌کند و از زمانی که عملکردهای خود را آغاز می‌کند برقراری پیوند محکم و دائم بین زن و مرد تحقق می‌یابد، امری که از آن تحت عنوان

ازدواج نام برده می‌شود. یکی از عملکردهای مهم خانواده، برقراری روابط عاطفی بین زن و مرد و گسترش سلامت روان شناختی است که مایه آرامش هر دوی آنها می‌شود. یکی از مشکلات شایع در خانواده تعارض زناشویی است. تقریباً هیچ زن و شوهری با نیت طلاق با هم وصلت نمی‌کنند اما تحولات جریان زندگی زوج‌ها را به سمت اختلاف، درگیری، جدایی روانی - عاطفی و گاه طلاق سوق می‌دهد (یوسفی و عزیزی، ۱۳۹۷). تعارضات بین زوجین در اختلاف بر سر موضوعات اساسی همچون ارزش‌ها، نقش‌ها و صفات شخصیتی ریشه دارد. این تعارضات دائماً در فضای خانواده جلوه گر می‌شود و اگر نگوییم غیرقابل تغییر، به سختی قابل تغییر است. تعارض زناشویی با متغیرهایی همچون طلاق (ژیلیوسکی، ۲۰۱۲، ریجیو و والنزولا، ۲۰۱۱)، اختلال روانی در فرزندان (بلادجت، شیفر و هاگن، ۲۰۱۳)، فشار روانی و هیجانی در زوجین (لوکاس و تامپسون، ۲۰۱۲) رابطه مستقیم و با متغیرهایی همچون سازگاری روانی فرزندان (اوه، لی و پارک، ۲۰۱۱) و امنیت عاطفی و رفتارهای جامعه پسند فرزندان (مک کوی، کامینگز و داویس، ۲۰۰۹) رابطه عکس دارد (آرین فر و پور شهریاری، ۱۳۹۶). فروپاشی روابط زوجین شایع‌ترین جلوه تعارض شدید است و احتمال وقوع طلاق در همسران به ویژه در سال‌های آغازین پس از ازدواج را افزایش می‌دهد (کوک و جونز، ۲۰۰۲، موسوی، ۱۳۹۴)؛ بنابراین رابطه بین تعارضات زناشویی و بهداشت روان رابطه‌ای دوسویه است و هنگامی که تعاملات مثبت بین زوجین و در کل اعضای خانواده کاهش می‌یابد بهداشت روان خانواده به خطر می‌افتد. محدودیت عمده این پژوهش این است که نمونه پژوهش حاضر از نوع خوشه‌ای سهمیه‌ای بوده است، لذا در تعمیم نتایج بایستی جانب احتیاط را در نظر گرفت. پیشنهاد می‌شود که پژوهش مشابه در جمعیت‌های آماری دیگر انجام شود، همچنین در این پژوهش از بین آسیب‌های روانی، اختلالات شخصیت مورد بررسی قرار گرفت، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی سایر اختلالات روانی نیز بررسی شوند و در پایان نویسندگان مقاله مراتب تقدیر و تشکر خود را از شرکت کنندگان در این پژوهش ابراز می‌دارند.

منابع

- احمدی، خدابخش؛ پاک‌نژاد، فرشته (۱۳۹۶)، وضعیت شاخص‌های تمایز یافتگی در خانواده‌های تهرانی، فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، دوره ۸، شماره ۳۰، سس ۲۳۹-۲۱۹.
- اسکندری، حسین؛ پژوهی نیا، شیما؛ ابویسانی، یلدا (۱۳۹۵)، تبیین مشکلات روانی مبتنی بر انعطاف‌پذیری شناختی و تمایز یافتگی خود، فصلنامه علوم اعصاب شفای خاتم، دوره ۴، شماره ۳، صص ۱۸-۲۷.
- آقایوسفی، علی رضا؛ اورکی، محمد؛ قربانی، طاهره؛ مهدیه، ملیحه (۱۳۹۵)، تعیین میزان رفتار درمانی دیالتیک بر افزایش تمایز یافتگی خویشتن در زنان مبتلا به همبودی اختلالات شخصیت مرزی و سوء مصرف مواد، فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی، سال ۶، شماره ۲۳.
- آقایی، علی اکبر؛ تیمورتاش، حسن (۱۳۸۹)، بررسی رابطه تیپ شخصیتی و سبک‌های حل مسئله در کارکنان جهاد دانشگاهی تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- آرین فر، نسرین؛ پور شهر یاری، مه‌سیما (۱۳۹۶)، مدل معادلات ساختاری پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه حوزه بریدگی و طرد و متغیر میانجی سبک‌های عشق‌ورزی، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، دوره ۸ (۹).
- بلیاد، محمدرضا؛ ناهیدپور، فرزانه؛ آزادی، شهدخت؛ یادگیری، هاجر (۱۳۹۳)، نقش خانواده اصلی در تمایز خود و تعارضات زناشویی، مجله روان پرستاری، دوره ۲، شماره ۲، صص ۸۱-۹۱.
- تیموری آسفیچی، علی؛ غلامعلی لواسانی، مسعود؛ بخشایش، علیرضا (۱۳۹۱)، پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دل‌بستگی و خود‌متمایزسازی، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال ۸، شماره ۳۲، صص ۴۴۱-۴۶۳.

- دانشور، شراره (۱۳۹۳)، بررسی رابطه تمایز یافتگی خود با رضایت مندی و پر خاشگری زوجین، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- دهقان اصل، فاطمه؛ رضاییان فرجی، حمید؛ حسینیان، سیمین (۱۳۹۷)، نقش تمایز یافتگی والدین در پیش بینی تمایز یافتگی دانش آموزان دختر و پسر، دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، سال ۱۹، شماره ۱، صص ۱۷-۱۰.
- زارعی، سلمان؛ فرحبخش، کیومرث؛ اسمعیلی، معصومه (۱۳۹۰)، تعیین سهم خود تمایز سازی، اعتماد، شرم و گناه در پیش بینی سازگاری زناشویی، فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، سال ۱۲، شماره ۳، صص ۶۶-۵۱.
- ستوده، هدایت الله (۱۳۹۴)، آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات)، چاپ بیست و چهارم، تهران: انتشارات آوای نور.
- شهیدی، شهریار؛ حمدیه، مصطفی (۱۳۸۱)، اصول و مبانی بهداشت روانی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- صدیقی، سعیده؛ مکوند حسینی، شاهرخ؛ قنبری هاشم آبادی، بهرام (۱۳۹۵)، اثربخشی گروه درمانی تحلیل رفتار متقابل بر بهبود الگوهای ارتباطی زوجین، دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، سال ۱۷، شماره ۳، صص ۴۴-۳۶.
- صفی نژاد، بتول (۱۳۹۲)، بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر ارتکاب سرقت در بین جوانان شهر یاسوج، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یاسوج.
- طالبی، مریم؛ غباری بناب، باقر (۱۳۹۱)، تعیین رابطه تمایز یافتگی خود، هوش هیجانی و رضایت زناشویی در مراکز مشاوره شهرستان شاهرود (ترنم، صبا، روزبه، بهزیستی، بنیاد شهید و امور ایثارگران)، فصلنامه زن و مطالعات خانواده، سال ۵، شماره ۱۸، صص ۳۱-۱۵.
- طاهری، نرگس (۱۳۹۱)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر اختلافات اقتصادی زندگی زناشویی زنان شاغل و خانه دار شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.

عسکری، سعید؛ رشیدی، زهرا؛ نقشینه، طیبه؛ شریفی، زهرا (۱۳۹۴)، رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و تمایز یافتگی خود با کیفیت زندگی زنان متقاضی طلاق، مجله رویش روان‌شناسی، سال ۴، شماره ۱۱، صص ۸۷-۱۱۲.

فخاری، نرگس؛ لطیفیان، مرتضی؛ اعتماد، جلیل (۱۳۹۳)، بررسی ویژگی‌های فرم کوتاه پرسشنامه تمایز یافتگی خود در دانشجویان ایرانی، فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۵۸-۳۵.

فلاحی، محمدعلی؛ دلدار، فائزه (۱۳۹۵)، بررسی عوامل مؤثر بر طلاق در استان‌های ایران با تأکید بر عوامل اقتصادی، فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، سال ۱۰، شماره ۳۴، صص ۱۵۴-۱۳۵.

قنبری، محمد؛ وحدانی ارزه‌ایی، هما؛ کمال احمدی، انسیه (۱۳۹۳)، بررسی رابطه بین تعارضات زناشویی والدین و بروز اختلالات روانی در نوجوانان دختر، دومین همایش ملی پژوهش و درمان در روانشناسی بالینی، تربت جام، دانشگاه اسلامی واحد تربت جام.

کاوه، محمد (۱۳۹۱)، آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی، جلد ۲ و ۱، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

کریمی، جهانگیر؛ زکی‌بی، علی؛ علیخانی، مصطفی؛ خدادادی، کامران (۱۳۹۱)، رابطه مهارت‌های زندگی و تعارضات زناشویی با بهداشت روانی در زوجین، فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، سال ۱، شماره ۴.

کریمی، سمیه؛ مصری‌پور، شیما؛ آقایی، اصغر؛ معروفی، محسن (۱۳۹۲)، مقایسه بخشودگی و مؤلفه‌های آن و سلامت روانی در زوجین عادی و در شرف طلاق شهر اصفهان، مجله تحقیقات علوم رفتاری، دوره ۱۱، شماره ۴، صص ۲۶۰-۲۵۲.

گلدنبرگ، ایرنه؛ گلدنبرگ، هربرت (۲۰۰۰)، خانواده درمانی، ترجمه: حسین شاهی براواتی، حمیدرضا؛ نقشبندی، سیامک؛ ارجمند، الهام (۱۳۸۹)، چاپ نهم، تهران: نشر روان.

گنجی، مهدی (۱۳۹۵)، آسیب‌شناسی روانی بر اساس DSM-۵، جلد ۱ و ۲، چاپ اول، تهران: نشر ساوالان.

مبسم، سولماز؛ دلاور، علی؛ کرمی، ابوالفضل؛ ثنایی، باقر؛ شفیق آبادی، عبدالله (۱۳۹۱)، بررسی اثربخشی روان‌درمانی کوتاه‌مدت فشرده بر کاهش تعارضات زناشویی در

زنان، فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی، دوره ۳، شماره ۹، صص ۱۰۲-۸۱.

محمد زاده، امید؛ بازدار، فاطمه؛ محمد یاری، طاهر (۱۳۹۳)، نقش خانواده به‌عنوان عامل و

مانع بزهکاری در نوجوانان شهر ایلام، اولین همایش علمی / پژوهشی علوم تربیتی و

روان‌شناسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات

اسلامی سروش حکمت مرتضوی، انجمن علمی توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.

مصلی نژاد، لیلا؛ امینی، میترا (۱۳۸۳)، بررسی ارتباط بین تحصیل و سلامت روانی در دو

گروه دانشجویان سال اول و آخر دانشکده علوم پزشکی جهرم، فصلنامه اصول

بهداشت روانی، دوره ۶، شماره ۲۱ و ۲۲، صص ۷۶-۷۱.

مظاهری، محمد مهدی؛ صداقتی فرد، مجتبی؛ حلاج دهقانی، عادل (۱۳۹۰)، بررسی مقدماتی

عوامل اجتماعی اقتصادی و فرهنگی آسیب‌های روانی در ایران، فصلنامه تحقیقات

روان‌شناختی، دوره ۳، شماره ۵، صص ۳۴-۲۷.

منوچهری، سیف‌الدین (۱۳۹۲)، بررسی رابطه‌ی عوامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر

میزان آمار طلاق در شهرستان جوانرود، سایت پس از باران، دوشنبه ۱۴ مرداد.

موحد، مجید؛ احمدپور، هدی (۱۳۹۱)، مطالعه رابطه برخی عوامل اقتصادی / اجتماعی و

فرهنگی با تعارضات خانوادگی (مطالعه موردی زنان متأهل ۵۰-۲۰ ساله شهر لنگه)،

فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال ۶، شماره ۱۸، صص

۸۴-۶۱.

موسوی، سیده فاطمه (۱۳۹۴)، بررسی تعاملات، سبک‌های حل تعارض و کیفیت زناشویی،

تحلیل روند مبتنی بر سن و طول مدت ازدواج، فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و

خانواده، سال ۱۰، شماره ۳۴.

یوسفی، ناصر؛ عزیزی، آرمان (۱۳۹۷)، تبیین مدل برای پیش‌بینی تعارض زناشویی براساس تمایز یافتگی و تیپ‌های شخص، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، سال ۹، شماره ۳۵، صص ۷۸-۵۷.

- Chung,H;& Gale,J,. (۲۰۰۶).*Comparing self differentiation and Psychological Well-being between Korean and European American Students*.*Contemporary Family Therapy*. ۲۸(۳):۳۶۷-۳۸۱.
- Dakin,J & Wampler, R,. (۲۰۰۸).*Money Doesn't Buy Happiness,but It Helps:Marital Satisfaction, Psychological Distress,and Demographic Differences Between Low and Middle-Income Clinic Couples*.*The American Journal of Family Therapy*. ۳۶(۴):۳۰۰-۳۱۱.
- Drake,J.R. (۲۰۱۱).*Differentiation of self Inventory –short form: Creation & Initial.Evidence of construct validity*.PhD Dissertation, university of Missouri – Kansas city.
- Gudmunson,C.G., Beutler,I.F.,Israelsen,C.L., Mccoy,J.K.,& Hill,E.J,. (۲۰۰۷).*Linking Financial Strain to Marital Instability:Examining the Roles of Emotional Distress and Marital Interaction*. *Journal of Family and Economic Issue*. ۲۸ (۳):۳۵۷-۳۷۶.
- Hardie,J.H;& Lucas,A,. (۲۰۱۰). *Economic Factors and Relationship Quality Among Young Couples:Comparing Cohabitation and Marriage*. *Journal of Marriage and Family*. ۷۲ (۵):۱۱۴۱-۱۱۵۴.
- kim, H.S; & Jung,Y. M,. (۲۰۱۵). *Self – Differentiation, Family Functioning, Life Satisfaction and Attltudes towards Marriage among South Korean University Students*.*Indian Journal of Science and Technology*,۸(۱۹).
- Lampis, Jessica; Cataudella, Stefania & Agus Mirian (۲۰۱۸), *Differentiational of self and Dyadic Adjustment in couple Relationships, A Dyadic Analysis Using the Actor – partner interdependence Model*. *Journal Family Process*, • (۰).
- Lee,T. K; Wickrama, K.A.s.; & Simons, L.G. (۲۰۱۳). *Chronic Family Economic Hardship,Family Processes and Progression of Mental and Physical Health Symptoms in Adolescence*. *Journal of Youth and Adolescence*. ۴۲(۶): ۸۲۱-۸۳۶.

- Lohan,A.,& Gupta,R,. (۲۰۱۶).*Relationship between Differentiation of Self and Marital Adjustment in Indian Couples*.Journal of Psychosocial Research.Vol.۱۱,No.۱,۱۳۹-۱۴۶.
- Nisar,M.,Ullah,S.,Ali,M.,& Alam,S,. (۲۰۱۵).*Juvenile Delinquency:The Influence of Family, Peer and Economic Factors on Juvenile Delinquents*.Applied Science Repots.۹(۱),۳۷-۴۸.
- Nisar, M.,Ullah, S., Ali, M., & Alam, S,. (۲۰۱۵). *Juvenile Delinquency: The Influence of Family, Peer and Economic Factors on Juvenile Delinquents*.Applied Science Repots.۹(۱),۳۷-۴۸.
- Mack, Simon; Jacobi, Frank; Baum, Katja; Gerschler, Anja; Strehle, Jens; Hofler, Michael & Wittchen, Hans (۲۰۱۵), *Functional disability and quality of life decrements in mental disorders: Results from the Mental Health Module of the German Health Interview and Examination Survey for Adults*, Journal of European Psychiatry ۳۰ (۶), ۷۹۳-۸۰۰.
- Patrick,S.,Sells, N.J.,& Giordano,F.G,. (۲۰۰۷).*Intimacy, Differentiation,And Personal Ity Variables as Predictors of Marital Satisfaction*.The Family Journal ۱۵(۴):۳۵۹-۳۶۷.
- Rivera,F,I; Peter,J. (۲۰۰۸).*Family Cohesion and Its Relationship to Psychological Distress Among Latino Groups*.Hispanic Journal of Behavior Sciences. ۳۰, (۳).
- Ryan,SR.Friedman,CK.Liang,Y.Lake,SL.Mathias,CW.Charles NE.Achesson, A &Dougherty,Dm, (۲۰۱۵).*Family Functioning as a Mediator of relations between Family History of Substance Use Disorder and Impulsivity*.Addictive Disorder & Theird Treatment,۱۵ (۱):۱۷-۲۴.
- Sang,k.o.,& Young J. (۲۰۱۳).*A Study on Relationships among University Students Self- differentiation, Self esteem and Mental Health: Focused on Depression and Anxiety*.Korean Journal of Human Ecology. ۲۲(۴):۵۳۹-۵۵۸.
- Skeer, M; McCormick,M,C; Lise T,S; Stephen,N, L;Buka& Gilman,S,L. (۲۰۰۹). *A Prospective Study of Familial Conflict, Psychological Stress, and the Development of Substance Use Disorder in Adolescence*. Drug Alcohol Depend.۱۰۴ (۱-۲):۶۵-۷۲.

- Skowron, E. A., Stanley, K. L., & Shapiro, M. D., (۲۰۰۹). *A Longitudinal Perspective on Differentiation of self, Interpersonal and Psychological Well-Being in Young Adulthood*. *Contemp Fam Ther.* ۳۱۳-۱۸.
- Sodermans, V. K.; & Swicegood, M. J., (۲۰۱۴). *The Effect of family types, Family Relationships and Parental Role Models on Delinquency and Alcohol use Among Flemish Adolescents*. *Journal of Child and Family Studies* ۲۳(۱): ۱۲۸-۱۴۳.
- Sogar, O., (۲۰۱۷). *The influence of family pricess and structure on delinquency in adolescence-An examination of theory and research*. *Journal of Human Behavior in the Social Environment.* ۲۷(۳).
- Taylor & Francis, (۲۰۰۸). *The Relation Between Differentiation of self and Marital satisfaction: What can Be learned From Married People Over their Course of life?* *The American Journal of family Therapy.* ۳۶(۵).
- Timm, T. M., & Keiley M. k., (۲۰۱۱). *The Effects of Differentiation of Self, Adult Attachment, And Sexual and Marital Satisfaction: A Path Analysis*. *Journal of Sex & Marital Therapy.* ۳۷ (۳): ۲۰۶-۲۲۳
- Williams, D. T., Cheadle, J. E., & Goosby, B. J., (۲۰۱۵). *Hard Times and Heart Break Linking Economic Hardship and Relationship Distress*. *Journal of Family Issues.* ۳۶ (۷).